

سرمقاله

دلایل ناامنی های امسال

حفيظ الله زكي

اداره امنيت ملي اعلام کرده که ۳۰ نفر را به اتهام سازمان‌دهی حملات اخير انتحاری به شهر کابل بازداشت کرده است. در اطلاعیه این اداره آمده که این افراد در سازمان‌دهی عملیات انتحاری در شاه شهید، میدان هوایی کابل، مکروریان و شوروی ملی دست داشتند. قرار بوده دو موتر حامل ۱۳ تن مواد منفجره در اختیار این افراد قرار گیرد تا از آن در حملات آینده در کابل استفاده کنند. بحث افزایش نا امنی در چندماه اخیر نقل همیشگی محافل سیاسی و عمومی در افغانستان می باشد و رسانه ها به عنوان بازتاب دهنده افکار عمومی همواره نگرانی های مردم را در این زمینه به ملا ساخته است.

در کابل، شهروندان وحشتناک ترین و پر تلفات ترین حملات انتحاری را در ماههای اخیر تجربه کرده اند. این حملات در حالی صورت گرفت که مناسبات افغانستان و پاکستان در بهترین شرایط خود در چهارده سال گذشته قرار گرفته بود و دور اول مذاکرات صلح با طالبان با تلاش آن کشور برای نخستین بار در پاکستان برگزار شده بود.

اگرچه حملات انتحاری در کابل بر فضای دوستانه افغانستان و پاکستان سایه افکند، اما علل و دلایل افزایش ناامنی ها در کشور تا هنوز به درستی مشخص نشده است. در شمال طالبان در برابر دولت می جنگند و در کابل شبکه حقاتی اماکن عمومی و مراکز مهم سیاسی و امنیتی را هدف حملات انتحاری قرار می دهد، یکی به شوروی کویته نزدیک می باشد و دیگری از شوروی پیشاور دستور می گیرد. به نظر می رسد که این دو مرکز مهم تروریستی سیاست هایش را در برابر دولت افغانستان منسجم تر و هماهنگ تر از گذشته به پیش می برند و مانند دو تیغه یک چینی در برابر حکومت عمل می کنند. از یک طرف افسال نخستین سالی است که نیروهای امنیتی به تنهایی مسئولیت امنیت کشور را به عهده دارند و از طرف دیگر حکومت وحدت ملی از متن یک بحران سیاسی سر برآورده و دوام حیاتش نیز در بحران های سلسله ای رقم خورده است. اکنون حکومت با چندین بحران به صورت همزمان مواجه می باشد که مبارزه با آنها با توجه به ویژگی ها و کارکردهای حکومت چندان آسان نمی باشد. شاید گروه های تروریستی با توجه به همین ضعف ها و نارسایی ها خواسته باشند، آخرین توانایی های خود را برای سقوط و یا تضعیف نظام سیاسی به کار بندند و در نهایت بیشترین امتیاز را از حکومت افغانستان نصیب شوند.

نکته دیگر این است که افراد و حلقات زیادی هم در پاکستان و افغانستان مخالف روند صلح در افغانستان می باشند. این گروه در منافع و خواست های شخصی شان را در ادامه نا امنی و جنگ در این کشور جستجو کرده و همواره پروسه صلح را سپوتاز می کنند. بعید نیست که حلقات پر نفوذ مخالف روند صلح در کشور با تشدید ناامنی و انجام حملات انتحاری، سنگ راه مذاکرات صلح گردیده و سایه بی اعتمادی را بر روابط افغانستان و پاکستان بکشانند. احتمال سوم این است که کشور پاکستان با روی کار آمدن حکومت وحدت ملی امیدوار بود که با تحکیم مناسبات میان دو کشور و از بین رفتن تنش های سیاسی، بتواند برخی خواست های مهم خود را از طریق مذاکرات دو جانبه به دست آورد. به همین خاطر همانظوری که حکومت افغانستان برای گسترش مناسبات با پاکستان تلاش می کرد، پاکستان نیز با تمام توان از این تلاش ها استقبال کرد. شاید گذشت چندین ماه، سیاست سازان پاکستان را به این نتیجه رسانده باشد که تحکیم مناسبات با حکومت فعلی نمی تواند تأمین کننده منافع آن کشور در افغانستان باشد. از اینرو نه تنها از فشار آوردن بر گروه های طالبان ابا ورزید که با اعلام مرگ ملاعر و حقاتی، پروسه مذاکرات صلح با طالبان را تا مدت نامعلومی به تعویق انداخت.

شکل گیری گروه ها و سازمان ها در کشور های مختلف متفاوت است. در کشور های توسعه یافته گروه ها و سازمان ها نه بر محور فرد و یا افرادی بلکه بر محور اصول و مقررات شکل می گیرد و به فعالیت خود ادامه می دهد. در کشور های جهان سوم اما، گروه و سازمان ها بیشتر بر محور افراد می چرخد. تمام و سازوکار گروه ها و سازمان بر محور غرایب و خواست های رهبران گروه ها و سازمان به وجود می آید و رفتار ها مبتنی بر اراده رهبران صورت می گیرد. از این جهت، حیات گروه ها و سازمان ها تا اندازه زیاد به حیات و مرگ رهبر آن بستگی دارد. در کشور های جهان سوم همانند افغانستان که گروه ها و سازمان ها بر محور شخص می شکل می گیرد و به حیات خود ادامه می دهد، بعد از مرگ رهبر گروه و سازمان گروه ها و سازمان ها دچار انشعاب می شود. احزاب که در افغانستان در دهه ۶۰ و ۷۰ شکل گرفتند عینی ترین نمونه است که امروزه دچار انشعاب شده اند. گروه طالبان نیز تازه رهبر خود را از دست داده اند. شواهد گواه بر آن است که صف آرابی میان نخبگان رده پایین این گروه در برابر شکل گرفته اند و به نظر می رسد که این گروه دیگر همانند گذشته به حیات خود ادامه ندهد و دچار انشعاب شود. بعد از اعلان مرگ ملا عمر، رهبر گروه طالبان معاون او ملا اختر منصور، پسر ملا عمر، یعقوب و ملا عبدالمنان برادر ملا عمر با هم اختلاف پیدا کرده است. ملا منصور اگر چه حمایت افراد کلیدی گروه طالبان را با خود دارد اما همچنان ملا یعقوب و ملا عبدالمنان در برابر او ایستاده اند. او بدون شک، برای رهبری گروه طالبان نیاز به حمایت خانواده ملا عمر می باشد. زیرا، حمایت خانواده ملا عمر مشروعیت بیشتری به ملا اختر منصور می دهد. در فقدان حمایت خانواده ملا عمر، ملا اختر منصور مشروعیت کافی برای رهبری و مدیریت فعالیت های گروه طالبان را نخواهد داشت. از این جهت، اگر ملا یعقوب و ملا عبدالمنان نپذیرد که ملا اختر منصور جانشین پدرش شود، جنگ و درگیری میان این گروه آغاز می شود. گزارش های که از ولسوالی خاک

مرگ ملا عمر و پایان انسجام گروه طالبان

علی قادری



برد. به دلایل ذیل حکومت افغانستان می تواند از انشعاب این گروه سود ببرد. اول: حکومت افغانستان برای کشاندن گروه طالبان در میز مذاکره چندین سال به دست نیارود. نه حملات گروه طالبان بر قلمرو حاکمیت دولت کاهش یافت و نه این گروه حکومت افغانستان را پذیرفت بلکه بار ها اعلان نمود که حکومت کابل این گروه حکومت افغانستان را پذیرفت و دست نشانده ایالات متحده آمریکا است. اعلان مرگ رهبر طالبان اساسا پروسه صلح را به بن بست مواجه کرد و اکنون هر چه بار ها اعلان نمود که با گروه طالبان چکار کند. نه اراده جنگ را دارد و نه به پروسه صلح امید بسته است. مرگ رهبر طالبان و انشعاب درونی میان آن ها بدون شک، باعث تضعیف این گروه می شود. تضعیف گروه تأثیری بر فعالیت های دهشت افکنی آن ها در سراسر افغانستان می گذارد. در حقیقت، حکومت افغانستان با مرگ رهبر

افغان ولایت ارزگان به رسانه رسیده است نشان می دهد که ملا اختر منصور برای جلب حمایت و بیعت با او ابزار های قهر و غلبه استفاده می نماید. گفته می شود که شش صد نفر از افراد ملا اختر منصور به ولسوالی خاک افغان آمده است تا مخالفین را وادار به بیعت نماید. بدون شک، این آغاز یک درگیری و جنگ میان گروه طالبان و ملا عبدالمنان در برابر او ایستاده اند. او بدون شک، برای رهبری گروه طالبان نیاز به حمایت خانواده ملا عمر می باشد. زیرا، حمایت خانواده ملا عمر مشروعیت بیشتری به ملا اختر منصور می دهد. در فقدان حمایت خانواده ملا عمر، ملا اختر منصور مشروعیت کافی برای رهبری و مدیریت فعالیت های گروه طالبان را نخواهد داشت. از این جهت، اگر ملا یعقوب و ملا عبدالمنان نپذیرد که ملا اختر منصور جانشین پدرش شود، جنگ و درگیری میان این گروه آغاز می شود. گزارش های که از ولسوالی خاک

و به زودی حیات این گروه تهدید خواهد شد. حیات این گروه تنها به تنش های درونی خلاصه نمی شود. اگر در سال های گذشته این گروه حمایت سازمان استخباراتی کشور های منطقه را داشته باشد و از طرف آن ها تجهیز می شده است با فشار های سازمان استخباراتی منطقه و از توجه به تهدید داعش برای تمام کشور های منطقه به احتمال زیاد گروه طالبان گروه خود را حذف کند. اما کارکرد این گروه در آن صورت منوط به حضور داعش در منطقه است. احتمال آن می رود که گروه طالبان در شاخه های مختلف از طرف سازمان های استخباراتی منطقه تجهیز و حمایت شود. اما در آینده دیگر سازماندهی و انسجام قبلی در گروه طالبان وجود نخواهد داشت. با این حال، حکومت افغانستان از انشعاب و درگیری و منازعه گروه طالبان سود می

صنعت فرهنگ سازی و الگوی کلی فرهنگ توده

تئودور و. آدورنو / ترجمه: فرهاد سلمانیان / قسمت سیزدهم



آهنگ‌های پرتلفردار با موسیقی متن و عبارات مستعمل ترانه گاهی چنان خشک و تکراری به نظر می‌رسند که دیگر نه به‌خودی خود و مستقل، بلکه به‌مثابه‌ی تکرارهایی پیوسته ادراک می‌شوند. بی‌کنواختی همیشگی آن‌ها نیز مفهوم یکسان‌شان را بیان می‌کند. هرچه پیوند ماجرای فیلم و جریان صحنه‌ها گسسته‌تر باشد، به همان نسبت تصویر درهم‌شکسته‌تری به نشان تمثیلی اثر تبدیل می‌شود.

حتا از بعد دیداری، تصویرهای چشمک‌زن و گذرا در سینما به نوعی نوشتار شباهت می‌یابند. تصویرها را درمی‌یابند، کشف می‌کنند، انسان‌ها به اشیائی تبدیل می‌شوند که می‌توان بی‌مواجه با اعتراض، در وجودشان دست برد. آن‌ها در نتیجه‌ی این روند در پی کسب ظرفیت نهفته در نیروهای فنی تولید می‌افتند. اما از آنجا که در جایگاه فاعل شناسا در فرایند تولید به هر حال همواره محدوده‌ی اضطرابی شی‌شدگی نیز هستند، فرهنگ توده باید با مداومتی شوم همواره از نو آن‌ها را به تسخیر در آورد. تلاش مذبح‌خانه در بطن این تکرار تنها رد پای امید است که نشان می‌دهد چنین تکراری بی‌پهوده است و انسان‌ها با وجود تلاش فرهنگ توده برای همگون‌سازی‌شان کاملاً تسخیرپذیر نیستند.

فرهنگ توده به مثابه‌ی کانون ایجاد سازگاری در جامعه، سخت‌کوشانه به تولید همان کهن‌الگوهایی می‌پردازد که روان‌شناسی فاشیستی در بازماندن آن‌ها قابل اعتمادترین ابزار برای تثبیت مناسبات مدرن سلطه را می‌بیند. ناعادهای دیرین برای این کار نیز شبیه خط تولید کارخانه سرهم‌بندی می‌شوند. این کارخانه‌ی رویاسازی آن‌چنان که باید رویاهای مشتربان را به شکل انبوه نمی‌سازد، بلکه بیشتر رویاهای کارپردازان را به میان مردم می‌برد. این همان امپراتوری هزارساله‌ی نظام طبقه‌های منفصل صنعت در دست سلسله‌های بی‌پایان صاحبان صنایع است. [۷۱]

رویاهای هدایت‌کنندگان مومبایی‌سازی جهان، فرهنگ توده نماینده‌ی خط تصویری معنوی‌ای است که تصاویر خود را به تسلیم‌شدگان‌اش عرضه می‌کند، البته نه برای آن که این عده از تصویرها لذت ببرند، بلکه تنها به این منظور که آن‌ها را بخوانند و صاحب خط، خود را از طریق تصویرها به تسلیم‌شدگان عرضه کرده باشد. صحنه‌های اصیل در فیلم‌ها و همچنین غیراصیل مانند مملودی

فرهنگ توده به مثابه‌ی کانون ایجاد سازگاری در جامعه، سخت‌کوشانه به تولید همان کهن‌الگوهایی می‌پردازد که روان‌شناسی فاشیستی در بازماندن آن‌ها قابل اعتمادترین ابزار برای تثبیت مناسبات مدرن سلطه را می‌بیند. ناعادهای دیرین برای این کار نیز شبیه خط تولید کارخانه سرهم‌بندی می‌شوند. این کارخانه‌ی رویاسازی آن‌چنان که باید رویاهای مشتربان را به شکل انبوه نمی‌سازد، بلکه بیشتر رویاهای کارپردازان را به میان مردم می‌برد. این همان امپراتوری هزارساله‌ی نظام طبقه‌های منفصل صنعت در دست سلسله‌های بی‌پایان صاحبان صنایع است. [۷۱]

رویاهای هدایت‌کنندگان مومبایی‌سازی جهان، فرهنگ توده نماینده‌ی خط تصویری معنوی‌ای است که تصاویر خود را به تسلیم‌شدگان‌اش عرضه می‌کند، البته نه برای آن که این عده از تصویرها لذت ببرند، بلکه تنها به این منظور که آن‌ها را بخوانند و صاحب خط، خود را از طریق تصویرها به تسلیم‌شدگان عرضه کرده باشد. صحنه‌های اصیل در فیلم‌ها و همچنین غیراصیل مانند مملودی

فرهنگ توده به مثابه‌ی کانون ایجاد سازگاری در جامعه، سخت‌کوشانه به تولید همان کهن‌الگوهایی می‌پردازد که روان‌شناسی فاشیستی در بازماندن آن‌ها قابل اعتمادترین ابزار برای تثبیت مناسبات مدرن سلطه را می‌بیند. ناعادهای دیرین برای این کار نیز شبیه خط تولید کارخانه سرهم‌بندی می‌شوند. این کارخانه‌ی رویاسازی آن‌چنان که باید رویاهای مشتربان را به شکل انبوه نمی‌سازد، بلکه بیشتر رویاهای کارپردازان را به میان مردم می‌برد. این همان امپراتوری هزارساله‌ی نظام طبقه‌های منفصل صنعت در دست سلسله‌های بی‌پایان صاحبان صنایع است. [۷۱]

کارتون روز



همان بافت دستور پیشین با ظرفیت ورودی تعداد حروف مشخص است. البته اتمام تکلیف ترجمه‌ی مداوم تصویرها به نوشتار نیز بر عهده‌ی بینندگان گذاشته شده است. به‌مض آن که همین کنش، خودکار صورت بگیرد، نوعی تعزین فرمانبری منوط به انجام کنش ترجمه‌ی تصویرهای فیلم به نوشتار می‌شود. هرچه بیشتر بیننده‌ی فیلم، شنونده‌ی آهنگ‌های پرتلفردار و خواننده‌ی داستان‌های پلیسی یا مجله‌پسند بتوانند فرمان، گره‌گشایی و ساختار اثر را زودتر از خاتمه‌اش دریابند، به همان نسبت آن‌ها به چگونگی و کیفیتی معطوف می‌شود که در آن، نتیجه‌ی بی‌اهمیت اثر حاصل می‌شود، به آن جزء شبیه معمای معسور در محصولات فرهنگی چشم می‌دوزد که تصویر کلی در آن پیداست و فقط باید پرسشی جزئی را پاسخ داد. و در همین فرایند جست‌وجوی ناشی از تعلق، مفهوم اثر در وضعی شبیه خواندن خط تصویری (hieroglyph)، آدرخ‌وار برای مخاطب روشن می‌شود. این مفهوم نوبافته، هسه‌ی جلوه‌های اثر را تا ظرفیت‌ترین رده‌ها شرح می‌دهد، آن هم طبق منطق ساده و دوازده‌گانه درست و غلط، باید و نیاید. مفهوم اثر به‌موجب چنین تقلیلی آن هم در مورد هر امر بیگانه و درک‌ناشدنی به سوی مصرف‌کنندگان فرهنگی هجوم می‌برد. ظهور گرایش به خط تصویری، نمایش مفهوم با چنینش تصویرها، در تاریخ تاکنونی فرهنگ توده دوران‌ساز شده است. در اصل همین گرایش، ویژگی بارز گذار از فیلم صامت به فیلم ناطق است. در فیلم‌های قدیمی نشانه‌های نوشتاری و تصویر همچنان جایگزین یکدیگر می‌شدند و برابرنشانند آن‌ها به خصلت

تصویری تصاویر فیلم برجستگی می‌داد. این نوع دیالکتیک و هم‌سنجی مانند هر تفاسی دیگری برای فرهنگ توده تحمل‌ناپذیر بود. بنا بر این فرهنگ توده نوشتار را به مثابه‌ی جسم خارجی از فیلم صامت بیرون راند، اما صرفاً برای آن که خود تصویرهای فیلم را به نوشتار تبدیل کند، تصاویری که نوشتار توصیفی فیلم صامت را جذب خود می‌کنند. آگاهی از این روند در رده‌ی عناصر فیلم با وطنه‌ی بردبارانه‌ی چارلی چاپلین عیبه تولید فیلم ناطق [۱۷] به‌خصوص ضمن کاربرد اعلان منفرد تئوتنی برای کارخانه در آغاز فیلم «عصر جدید» (۱۹۲۶) بروز می‌کند. حقیقت خود را به دست می‌آورد. اما تصویرهای سخنگو تقاب‌هایی بیش نیستند. نخست‌پدیدار یا شکل آغازین جدیدترین نوشتار تصویری ادر قالب فیلم] به قدیمی‌ترین نوع آن ادر قالب خط تصویری یا هیروگلیف] شباهت دارد. این تقاب تصاویر سخنگو با رسیدن به مرحله‌ی تثبیت خود همسان چیزی را که سراسر غیرمادی است، نفس تصویر و تصویر و بیان فیلم را نیز به وحشت از این واقعیت تبدیل می‌کند که چهره‌ی انسان به همان شکل بی‌تغییر تقاب باقی می‌ماند. همین تقاب سپس وحشت را نیز به نوعی فرمانبری و پذیرش آن چهره‌ی بی‌تحرك تقاب در مخاطب تبدیل می‌کند. راز شعار «همیشه بخند بزن» در اصل توصیه‌ی کاربرد تقاب است. صورت، در این حالت به حرف بی‌تحرك الفبا تبدیل می‌شود، البته با منجمد کردن سرزنده‌ترین جزء خود که همان خنده باشد. امروز فیلم همان کار ترساندن کودکان از چهره‌ی وحشتناکی را در قدیم انجام می‌دهد که با تیک‌تاک ساعت یا تغییر جهت باد خشک‌اش می‌زد. ادامه دارد.

- صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا
- مدیر مسول: محمد رضا هویدا
- سردبیر : حفيظ الله زكي
- کارکا توریست: خالق علی زاده
- دبیران: محمد صالحی، علی اصغر زاهدی
- مسئول وب سایت: مهدی صالحی

□ آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۷-۱۳۲

روزنامه‌افغانستان از همه‌ی دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می‌نماید. هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی‌شود. مسئولیت مقالات به عهده‌ی نویسندگان آنها است و تنها سرفاله‌ی یاتگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

روزنامه افغانستان بخش دربی و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستا است.

www.dailyafghanistan.com
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

افغانستان
The Daily Afghanistan

روزنامه

Outlook
AFGHANISTAN
The Leading Print Publication